

طراحی الگوی مشاوره حرفه‌ای در دانشگاه های ایران^۱

زینب کرمخانی^۲ *

ابراهیم صالحی عمران^۳

سهیلا هاشمی^۴

بدالله مهر علیزاده^۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر طراحی الگوی مشاوره حرفه‌ای در دانشگاه های ایران است. طرح پژوهش حاضر کیفی و بر اساس روش پژوهش کیفی گراند تئوری انجام گردید. جامعه آماری در این پژوهش مطلعان کلیدی و خبرگان در پنج دسته سیاستی، مدیریتی، جامعه‌شناسی، اقتصادی و کارشناسان متخصص در نظر گرفته شده‌اند. از آنجایی که این پژوهش از نوع اکتشافی است مناسب‌ترین نوع نمونه‌گیری، نمونه‌گیری هدفمند است که در این پژوهش از نوع روش گلوله برفی استفاده گردیده است. تعداد نمونه‌ها با توجه به اشباع نظری به ۳۲ نفر رسید. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش به دلیل جدید بودن موضوع و فقدان نظریه کافی در خصوص موضوع پژوهش مصاحبه‌های اکتشافی است. بعد از جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل آنان به صورت کدگذاری باز، محوری و گزینشی صورت گرفت که بر اساس تحلیل داده‌ها مدل مطلوب برای رویکرد مشاوره حرفه‌ای در دانشگاه ارائه گردید. براساس یافته‌ها مقولاتی همچون اقتصاد دانش‌بنیان و جامعه یادگیرنده، حکمرانی دانشگاه، مسئولیت اجتماعی دانشگاه،

۱. این مقاله مستخرج از پایان نامه دکتری تحت عنوان طراحی الگوی مشاوره حرفه‌ای در دانشگاه های ایران است.

۲. دانشجوی دوره دکتری برنامه ریزی توسعه آموزش عالی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مازندران، مسئول مکاتبه، پست الکترونیک: karamkhani.zeinab@gmail.com

۳. استاد رشته برنامه ریزی آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مازندران، پست الکترونیک: edpes60@hotmail.com

۴. دانشیار رشته روانشناسی تربیتی، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه مازندران، پست الکترونیک: soheilahashemi@yahoo.com

۵. استاد رشته برنامه ریزی آموزشی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، پست الکترونیک: ymehralizadeh@gmail.com

آئین‌نامه‌های ارتقاء و کنش‌های ارتباطی بر روی رویکرد مشاوره حرفه‌ای به عنوان پدیده مرکزی اثر گذار هستند و با استفاده از این مقولات مدل پارادایم مشاوره حرفه‌ای در راستای رسیدن به دانشگاه پاسخگو ارائه شده است.

واژگان کلیدی: مشاوره حرفه‌ای، آموزش عالی، مسئولیت اجتماعی دانشگاه، ارتباط علم با جامعه مقدمه

امروزه در کشورهای جهان سعی در ایجاد ارتباط میان آموزش عالی و برنامه‌های پیشرفت ملی و توسعه جامعه دارد. بدون شک دانشگاه و توسعه جامعه رابطه دوسویه دارند و رابطه میان آنان نیروی هم‌افزایی^۱ برای رشد و توسعه ایجاد می‌کند. بنابراین سیاست‌های توسعه و پیشرفت جامعه به طور اصولی به آموزش به طور عام و آموزش عالی به طور اخص متصل است. در دنیای امروز رسالت دانشگاه در سیر تکاملی خود علاوه بر آموزش^۲ و پژوهش^۳ به ارائه خدمات^۴ و خلق همکاری^۵ می‌پردازد. دغدغه آموزش عالی امروزه استفاده از دانش و پژوهش در حل مسائل و چالش‌های جامعه است. زمان آن فرارسیده است که دانشگاه وجود رسالت جدید خود را به عنوان گفتگو میان علم و جامعه را به رسمیت بشناسد. این مسئله‌ایجاب می‌کند که دانشگاه به پویاسازی ارکان خود در انطباق با برنامه‌های توسعه بپردازد و این جز از طریق خدمات مشاوره حرفه‌ای^۶ در راستای استفاده از دانش و پژوهش دانشگاه‌ها برای حل مسائل جامعه، تولید ثروت، توانایی و دانایی کشور میسر نمی‌شود.

در کشورهای توسعه‌یافته استفاده از مشاوران به طور قابل توجهی در طول چهار دهه گذشته افزایش یافته است. (دوکه^۷، ۲۰۱۲). در حقیقت به نظر می‌رسد که استفاده صحیح از خدمات مشاوره برای حل مسائل جامعه در راستای رشد و توسعه در ارتباط باشد. بدون شک مشاوره حرفه‌ای پشتیبان مهمی برای توسعه کشور است. در جهانی که فناوری^۸ و خدمات به سرعت زیادی در حال ادغام^۹ می‌باشد متقاضیان زیادی برای استفاده از خدمات مشاوره حرفه‌ای رو به فزونی است، تا آن‌ها بتوانند واکنش‌هایی سریع‌تر به نیروی بازار و درک عمیق‌تری از محیط اطراف داشته باشند (شریف^{۱۰}، ۲۰۱۲).

1. Synergy
2. Education
3. Research
4. Third mission
5. Co-Creation
6. Professional Consulting Service
7. Duque
8. Technology
9. Integration
10. Sharif

امروزه دانشگاه‌های زیادی همچون دانشگاه کمبریج^۱، شفلید^۲، ساکس^۳، ناتینگهام^۴ و ... از خدمات حرفه ای به عنوان حلقه ای برای ارتباط دانشگاه با جامعه و برای ثروت زایی استفاده می‌کنند. به طوری که این دانشگاه‌ها در ساختار سازمانی خود خدمات مشاوره حرفه ای را به عنوان یک مؤلفه مهم در چرخه نوآوری برای رشد اقتصادی پایدار در نظر گرفتند (آرمبرستر^۵، ۲۰۱۶). بسیاری از دانشگاه‌ها دارای متخصصینی هستند که می‌توانند مشاوره‌های خوبی را برای توسعه منطقه ای و ملی ارائه کنند، به عنوان نمونه مسئولین دو منطقه پاراماتا و پنریت (در غرب سیدنی) از دانشگاه محلی خواسته‌اند تا به آن‌ها در فرایند جامعه یادگیرنده کمک رسانند. در دانشگاه‌های نوین به وظایف استاد و پژوهشگر، وظایف مدیریتی و مشاوره افزوده شده است. کارهای مشاوره برای اساتید تعریف شده است و عضو هیئت علمی، بیشتر یک عضو مشارکت‌کننده و فعال جامعه محسوب می‌شود تا موجودی در حاشیه (کپینک و پاتریک^۶، ۲۰۱۵).

امروزه نهادهای موفق متکی به مشاوران سطح بالا مجرب، دانشمند و مسئول هستند. مشاوره حرفه ای در بررسی طرح‌های توسعه، بهبود روش‌ها و حل مسئله و برطرف کردن مشکل سازمان یا نهاد و انجام تغییرات مورد نیاز نقش ایفا می‌کند. مشاوران در پی آن‌اند که مسئله‌هایی را که به قاعده میان رشته‌ای (چند وجهی) در طول زمان پیش‌بینی شده، بررسی و برطرف سازند. آن‌ها همچنین به سازمان‌ها و نهادها رهنمود تخصصی عرضه می‌کنند که کدام رویکرد را در برابر تغییرات ساختاری سازمان یا تحولات کارکردهای آن پیش گیرند. حاصل کار مشاوره حل مسئله یا به بیان دیگر تغییری طراحی و پیش‌بینی شده است. خدمات مشاوره از فعالیت‌های به نسبت نو پدید حرفه ای و تخصصی است و عمر آن کوتاه‌تر از آن است که اندوخته‌های انباشته تجربی تعیین‌کننده‌ای در اختیار مشاوران قرار دهد (استرایکر^۷، ۲۰۱۱). با این چشم‌انداز به حیطه مشاوره حرفه ای، فقط تولید دانش کافی نیست بلکه تبدیل دانش، بازاریابی دانش و کاربرد دانش نیز لازم است و مشاوره حرفه ای در تبدیل دانش و کاربری آن در جامعه نقش حیاتی دارد.

در بسیاری از دانشگاه‌های امریکا همانند دانشگاه بوستون دفتری در این خصوص وجود دارد که مدیریت پروژه‌های ملی و بین‌المللی را برعهده دارد و برای انجام آن‌ها نیازمند مشاوران حرفه ای در حوزه‌هایی از قبیل حقوق دان‌ها،

1. Cambridge University
2. University of Sheffield
3. University of Sussex
4. University of Nottingham
5. Armbrüster
6. Kipping&patrick
7. Stryker

حسابداران، برنامه ریزان، جامعه‌شناسان، اقتصاددان ها و دیگر افراد حرفه ایی است. همچنین در دانشگاه‌های دیگر ارائه خدمات مدیریتی و برنامه‌ریزی استراتژیک، ارائه نوآوری‌های بومی، منطقه ای و جهانی توسط مشاوران حرفه ای دانشگاه صورت می‌گیرد (پارکر و همکاران^۱، ۲۰۱۶).

با این تحولات که در دانشگاه‌های جهان در حال اتفاق است، در دانشگاه‌های ایران نیز همراه با این تحولات نهادهایی همچون شرکت‌های مشتقه، دفاتر انتقال تکنولوژی، پارک های علم و فناوری، انکوباتور ها و... در راستای تجاری‌سازی و به بیانی برای کاربردی نمودن دانش و پژوهش ها صورت گرفته است. این رویکردها هرکدام با چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند. بیشتر این نهادها در حیطه انتقال دانش و تولید دانش فعالیت داشته‌اند و در ساحت عمل و در تبدیل دانش و آن‌طور که شایسته است، نتوانستند به رسالت خود که همانا ارتباط دانشگاه با جامعه است دست پیدا نمایند. شاید بتوان این ادعا را نمود که در جریان تبدیل دانش و پژوهش برای حل چالش‌های جامعه، حلقه تبدیل‌کنندگان که همان مشاوره حرفه ای است مغفول واقع شده است. دانشگاه‌های ایران همچنان با شکاف عمیق بین تولید دانش و کاربرد آن‌که ریشه‌ای تاریخی دارد، دست پنجه نرم می‌کنند. هر روز برشمار تعداد مقالات چاپ‌شده در مجلات معتبر افزوده می‌شود ولی در عمل جامعه‌ایرانی نتوانسته آن‌طور که شایسته است به توسعه و پیشرفت برسد. پایا به نقل از شایگان (۱۳۸۵) در خصوص شکاف بین علم و جامعه در ایران و جریان افول پیشتازی دانشگاه‌های این مرز و بوم می‌گوید «ما در تاریخ به یک تعطیلات طولانی رفته بودیم و اکنون هر چند به لحاظ تقویمی در قرن ۲۱ زیست می‌کنیم اما از حیث بلوغ معرفتی فرزند این قرن به شمار نمی‌آییم».

برای شکاف بین دانش و استفاده از آن در حل مسائل جامعه‌ایران می‌توان علل فراوانی برشمرد، نظیر بسته بودن سیستم دانشگاهی و عدم ارتباط با محیط پیرامون، تک‌بعدی بودن نظام دانشگاهی، ارتباط مبهم دانشگاه با سایر نهادهای جامعه، خدمات و صنعت، بیکاری رو به رشد فارغ‌التحصیلان و پرورش ندادن دانشگاهیان با توان فکری و قابلیت‌های عملی، نداشتن آزادی و استقلال علمی، وارداتی بودن علم و دانشگاه، ناکارآمدی ساختاری و شیوه‌های اجرایی دانشگاه، وابستگی بیش از اندازه دانشگاه به بودجه‌های سرانه و محدود دولتی، نبود یک منطق موجه و پایدار در سیاست‌گذاری‌های دانشگاه و عدم راه‌اندازی سراها برای ارتباط بین پژوهش و تولید دانش با کاربرد آن برای رفع نیازهای جامعه (این سراها به صورت پل‌های ارتباطی عمل می‌کنند. از طریق این سراها می‌توان تولید دانش را به کاربست دانش تبدیل نمود).

با توجه به مطالب ذکرشده و اهمیت مسئله تشریح شده این پژوهش به بررسی و طراحی مشاوره حرفه ای می‌پردازد. تاکنون در کشور ایران پژوهشی در خصوص مشاوره حرفه‌ای انجام نشده است. همچنین در پژوهش‌های خارجی نیز

بیشتر در مسائل کسب و کار از حوزه مشاوره حرفه ای استفاده گردیده است. لذا این موضوع پدیده ای نوظهور در نظام آموزشی ایران می باشد. از آنجایی که هر جامعه و به طبع نظام آموزشی آن، زمینه و فرهنگ، ساختار خاص خود و مکانیسم های خاصی برای توزیع و تولید و کاربست دانش و ارتباط جامعه با دانشگاه را دارد. بنابراین ضرورت دارد که این مهم را بر اساس ویژگی های زمینه ای در نظر داشت.

هدف پژوهش

طراحی الگوی مشاوره حرفه ای در دانشگاه های ایران

سؤال پژوهش

الگوی مشاوره حرفه ای در دانشگاه های ایران چگونه می بایست باشد؟

ادبیات پژوهش

مشاوره حرفه ای به عنوان یک پارادایم جدید در آموزش عالی برای توسعه اجتماعی و اقتصادی از طریق تبدیل دانش و پژوهش برای تغییر و خلق همکاری در جهت پیگیری توسعه پایدار است. برای این که علم و دانش مفید باشند، بخش های مختلف آن می بایست مرتب شوند و به صورت هماهنگ قرار بگیرند و با تناقضات موجود، تفسیر شوند (فرانکا^۱، ۲۰۱۶). برای انجام این کار، آموزش عالی نیازمند شکل دهی دوباره است و می بایست جهت خود را به سوی تبدیل علم و چگونگی کاربرد آن سوق دهد. آموزش عالی نیازمند تقویت منابع مالی گوناگون، افزایش قدرت سازمانی و سرمایه گذاری های علمی، تعامل با دولت، صنعت و جامعه، تقویت جریان های مدیریتی و رهبری، تقویت توانایی های منابع انسانی و مشاوره حرفه ای به عنوان مفهومی جدید است. رویکرد مشاوره حرفه ای شامل راه های خلاقانه ای است که در آن متخصصان، پژوهشگران و اعضاء هیئت علمی با مخاطبین عمومی ارتباط برقرار می کنند و برای بهبود زندگی مردم تلاش می کنند و از همه مهم تر، با مشارکت خود مردم، تولید علم می کنند. (دان^۲، ۲۰۱۴). مشاوره حرفه ای شامل فعالیت هایی می باشد که منابع غنی دانشگاهی را برای رفع مشکلات اقتصادی، مدنی، اجتماعی مردم متصل می سازد و کیفیت زندگی را برای همه ارتقاء می بخشد. (کپینک و پاتریک، ۲۰۱۵) از دهه ۹۰ به بعد، دانشگاه ها با مسئله امکان ایجاد درآمدهای مالی بیشتر از طریق امکانات و دانش متخصصان خود، جدی تر برخورد کردند. این امر از طریق ارائه خدمات مشاوره، تحقیقات قراردادی، توسعه پارک های علم و فناوری

1.Franka

2.Dan

و... انجام می‌پذیرد. (اینکاول و کپینگ^۱، ۲۰۱۳). ترنیچر و همکاران^۲ (۲۰۱۴) در این زمینه معتقد هستند که یکی از راه های تجاری سازی پژوهش ارائه خدمات مشاوره حرفه ای است. کرو^۳ (۲۰۱۵) یکی از فعالیت های انتقال دانش را نیز ارائه خدمات مشاوره می‌داند.

بسیاری از مؤسسات، قوانین خود را در خصوص فعالیت‌های خارج از محیط دانشگاهی به‌روشنی بیان کرده‌اند. برای مثال، یکی از اولین گام‌های برداشته‌شده از جانب بسیاری از دانشگاه‌های بریتانیا، معرفی یک قاعده «یک روز در هفته» برای فعالیت‌های مشاوره‌ای خارج از دانشگاه بود. انگلیس معرف یک مورد غیرمعمول است که در آن کوشش‌هایی برای رهگیری حجم مشاوره های دانشگاهی انجام‌شده است. پشتوانه این اقدام حرکتی قوی در میان دانشگاه‌ها برای رسمی سازی مشاوره خصوصی در قالب انعقاد قراردادهای سازمانی است. گزارش‌های دانشگاه‌ها حاکی از آن هستند که حجم ارائه خدمات مشاوره‌ای در شش سال گذشته، به معنای واقعی حتی دو برابر شده است. (با وجود اینکه بخشی از این رشد، مربوط به تأثیرات مثبت کوشش‌های انجام‌شده برای رسمی سازی قراردادهاست). امروزه میزان خدمات مشاوره‌ای به‌اندازه‌ای افزایش یافته است که ۳۷٪ از درآمد حاصل از پژوهش‌های قرارداد محور را شامل می‌شود (گرین وود و همکاران^۴، ۲۰۱۴).

در یک بررسی که روی مدیران حوزه پژوهش و توسعه انجام گرفت، ۳۲ درصد از پاسخ دهندگان، مشاوره را برای پژوهش و توسعه در مقایسه با ۲۱ درصد برای تحقیقات قرارداد محور، ۱۸٪ برای حق امتیاز و ۱۰٪ برای صدور مجوز بسیار مهم عنوان کردند. در پژوهشی که روی استادان دانشگاه صنعتی ماساچوست صورت گرفت، ارائه خدمات مشاوره‌ای به عنوان مجرای اصلی تبدیل دانش (انتقال دانش) معرفی شد و به دنبال آن، کتاب‌ها و نشریات، دانشجویان تحصیلات تکمیلی، فعالیت‌های پژوهشی مشارکتی و درنهایت حق امتیازها و مجوزها به عنوان کانال‌های کم اهمیت تری تلقی گردید. (اسکات^۵، ۲۰۱۰).

در دانشگاه جنوبی برای دانشجویان فارغ‌التحصیل در موردنظریه ها، اصول و برنامه های کاربردی پویا وابسته زمینه مشاوره حرفه ای ارائه می‌دهند. دانشجویان مهارت‌های ضروری برای برقراری ارتباط در شیوه های ارزیابی و رفتاری مؤثر، دستیابی به شایستگی برای مسائل اخلاقی و حقوقی و حرفه ای و درک اهمیت و سودمندی پژوهش در یک زمینه را توسعه می‌دهند. اعضای هیئت علمی برای حفظ استانداردهای آموزشی سطح بالا، توسعه کنجکاوی فکری،

1. Engwall & Kipping
2. Trencher & Et al.
3. Crow
4. Greenwood & Et al.
5. Scott

پیشرفت تفکر انتقادی و مشارکت در خدمات دانشگاهی و جامعه را ترویج می‌دهند. و در این دانشگاه ضمن ارج‌گذاری به تنوع فرهنگی. القا آگاهی نسبت به نیاز آموزش مادام‌العمر را در نظر می‌گیرند (پرایس^۱، ۲۰۱۵) در هنگ کنگ یکی از کارکردهای مشاوره حرفه ای راهنمای شغلی است که به عنوان یک بخش مهم در بسیاری از مدارس متوسط، کالج‌ها و دانشگاه‌ها مشاوره در این زمینه ارائه می‌دهند. در دانشگاه‌ها راهنمای شغلی معمولاً شامل ارائه خدمات از قبیل جذب نیروهای با استعداد برای کارفرمایان، انتشار اطلاعات مربوط به بازار کار، ارائه اطلاعات مربوط به فرصت‌های کارآموزی و انجام بررسی استخدام فارغ‌التحصیلان. دانشجویان به درگیر در برنامه‌ریزی‌های فردی و توسعه حرفه ای شان تشویق و ترغیب می‌کنند. مثلاً در هنگ کنگ در دانشگاه پلی تکنیک هنگ کنگ یک سیستم «ای پورت فولی^۲» برای کمک به دانشجویان برای ارزیابی و نظارت علمی، شخصی و توسعه حرفه ایی خود تنظیم کرده‌اند (کیتاگاوا^۳، ۲۰۱۱)

دانشگاه ویرجینیا در بیانیه سیاست‌های خود جایگاه ویژه ای به مشاوره حرفه ای داده است و آن را به صورت موقعیتی مستقل در نظر گرفته است. و مشارکت اعضای هیئت‌علمی را در ارائه خدمات حرفه ای و فعالیت‌های مشاوره به رسمیت شناخته است (موگابی^۴، ۲۰۱۴).

والایز^۵ (۲۰۱۶) در خصوص اهمیت مشاوره حرفه ای بیان می‌کند که دانشگاه‌ها می‌توانند با ایجاد و رشد مشاوره حرفه‌ای به شکل‌گیری بافت اجتماعی، فرهنگی و فکری یک محل کمک کنند. برنامه‌های فرهنگی در محیط اطراف دانشگاه می‌تواند محله را برای متخصصان تحصیل‌کرده و کارفرمایان آنان خوشایندتر کند و با این پیش‌فرض که دسته‌ای از متخصصان خلاق به مسائل فرهنگی و خلاقانه گرایش دارند، این موضوع اهمیت بیشتری پیدا می‌کند برای این منظور، دانشگاه‌های واقع در شمال شرق انگلیس برای ایجاد یک بخش فرهنگی در مرکز شهر نیوکاسل، فعالانه دست به کار شدند. همچنین بعضی از دانشگاه‌ها نیز به طور جدی‌تری مسئولیت پیشرفت جامعه خود را به عهده گرفته‌اند. دانشگاه پنسیلوانیا در ایالت متحده، پیشرفت اجتماعی را به عنوان بخشی از رسالت راهبردی خود پذیرفته است امروزه این دانشگاه مشغول ارائه نوآوری‌های اجتماعی بی‌شماری از جمله: طرح‌های توسعه اقتصادی باهمکاری اجتماعات محلی، حمایت گسترده از برنامه‌های مختلف خدماتی است. در فنلاند، دانشگاه علوم کاربردی یواسکیلا برای به زندگی بازگرداندن افرادی که برای مدت طولانی بیکار بوده‌اند با ذینفعان محلی همکاری می‌کند.

- 1.Peric
- 2.EPortfolio
- 3.Kitagawa
- 4.Mugabi
- 5.Vallaesys

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است و قابلیت بهره برداری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مؤسسات آموزش عالی برای ایجاد رویکرد مشاوره حرفه ایی را دارد. همچنین پژوهش حاضر از نظر روش شناسی از نوع کیفی و با روش نظریه زمینه ایی^۱ می باشد. پژوهشگر سعی می کند با انجام مطالعات و مشارکت در فرایندهای مربوط به موضوع پژوهش به درک و فهم رویکرد مشاوره حرفه ایی نائل گردد و در لابه لای این شناخت مدل بهینه ی مشاوره حرفه ایی برای دانشگاه ایران را طراحی کند.

جامعه آماری این پژوهش، مطلعان کلیدی و خبرگان در پنج دسته خبره سیاستی، مدیریتی، جامعه شناسی، اقتصادی و کارشناسان متخصص در نظر گرفته شده اند. همچنین ۴ تن از متخصصان که حاضر به مصاحبه حضوری نشدند و تلفنی با آنها صحبت گردید و اعتقادی به مشاوره حرفه ایی نداشتند به عنوان دسته ۶ با کد X نشان داده شده است. در این پژوهش از نمونه گیری هدفمند^۲ استفاده گردیده است. از آنجایی که این پژوهش از نوع اکتشافی است مناسب ترین نوع نمونه گیری همان نمونه گیری هدفمند است که نوع گلوله برفی در این پژوهش استفاده شده است و نمونه گیری تا مرحله اشباع ادامه داشت.

جدول ۱: کدگذاری دسته های انتخابی

دسته های انتخابی	کد	تعداد	کد ابزار گردآوری داده ها
جامعه شناس	S	۶	IN ^۳
اقتصاددان	E	۷	IN
مدیریت	M	۵	IN
سیاست گذار	P	۵	IN
کارشناس وزارتی	EX	۵	IN
سایر	X	۴	INp ^۴

1. Grounded Theory
2. Purposive Sampling
3. مصاحبه اکتشافی حضوری.
4. مصاحبه تلفنی.

ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه‌های اکتشافی است. دلیل استفاده از مصاحبه های اکتشافی جدید بودن موضوع پژوهش، فقدان نظریه های کافی در خصوص آن است. در این نوع ابزار گردآوری داده‌ها علاوه بر آنکه امکان تبادل نظر و فکر وجود دارد، می‌توان بحث و موضوع مصاحبه را در جهت دستیابی به اهداف پژوهش هدایت نمود.

در پژوهش حاضر برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه های اکتشافی از تکنیک "پارادایم کدگذاری" روش کدگذاری باز، محوری و گزینشی استراوس و کوربین^۱ (۱۹۹۰) استفاده شده است. بر اساس این رویکرد پژوهشگر بایستی روش و فن مشخصی برای تحلیل در پیش بگیرد و کدگذاری‌های مرحله مندی را (باز، محوری و گزینشی) را به اجرا دریاورد و آن را با مخاطب خویش در میان بگذارد و پدیده کشف شده خود را در الگوی پارادایمی ارائه دهد.

در این پژوهش تحلیل داده ها از زمان گردآوری آنان آغاز شد، زیرا در پژوهش کیفی گردآوری داده‌ها با تحلیل آن‌ها در هم تنیده است. بنابراین در این پژوهش بعد از مصاحبه، داده‌های آن مورد تحلیل قرار می‌گرفت و خروجی آن در مصاحبه های بعدی به کنکاش در می‌آمد. بدین ترتیب هم فرایند گردآوری و هم تحلیل آنان کاملاً تدریجی، تکوینی و پلکانی بود. همچنین همگام با خواندن مصاحبه ها و استخراج کد های جنینی از مصاحبه ها یادداشت‌های تحلیلی نیز برای رسیدن به کد های بر خواسته از متن نوشته می‌شد و به این صورت کدگذاری‌های باز انجام می‌شد که در همان ابتدا در حین کدگذاری‌های باز روابط بین بعضی از مقولات دیده می‌شد به این صورت کدگذاری باز و محوری صورت می‌گرفت و رابطه بین مقولات در حین کدگذاری محوری با وضوح بیشتری خود را نشان دادند. درنهایت برای یکپارچه سازی و پالایش مقوله ها و رسیدن به یک مدل مفهومی برای تحلیل و تبیین پدیده اصلی، مسیر پژوهش به سوی کدگذاری گزینشی پیش رفت که حاصل این کدگذاری مدل پارادایمی رویکرد مشاوره حرفه ایی بر اساس نظریه بر پایه استراوس و کوربین (۱۹۹۰) است. درنهایت برای اعتبار داده‌ها از راهبرد روایی پژوهش کیفی به نام بازخورد شرکت کنندگان در مصاحبه که جانسون و کریستنسن^۲ (۲۰۱۴) به آن اشاره کرده‌اند، استفاده شده است. در این قسمت داده ها و مقولات و مدل نهایی به دست آمده از طریق ایمیل برای مصاحبه شوندگان فرستاده شد و آنان صحت نوشته ها و تفسیرهای آنان را مورد بررسی قراردادند. همچنین پژوهشگر سعی نموده است که با عینیت بخشیدن به داده ها و مکتوب کردن مراحل کدگذاری و آوردن نقل قول های مصاحبه شوندگان به اعتبار داده های به دست آمده غنا ببخشد.

1. Strauss and Corbin
2. Johnson and Christensen

یافته های پژوهش

در این بخش با تجزیه و تحلیل داده ها و استفاده از تکنیک پارادایم کدگذاری و ارائه نقل قول ها به سؤال پژوهش پاسخ داده می شود. برای پاسخگویی به سؤال پژوهش مبنی بر طراحی الگوی مطلوب مشاوره حرفه ای از روش نظریه زمینه ای بر اساس مدل پارادایمی استراوس و کوربین به نقل از کرسول^۱ (۲۰۱۲) استفاده گردیده است و پژوهشگر برای تدوین مدل، بر اساس کدگذاری بازی که صورت گرفته شده بود تعداد ۵۴ مفهوم استخراج نموده است. بعد از استخراج مفاهیم و کشف مقولات، ارتباط پدیده هسته ای با سایر مقولات علی، زمینه ای، مداخله گر، تعاملی و پیامدی مشخص و بررسی می گردد و در نهایت مدل پارادایمی که می تواند تفسیر بهتری از روابط بین مقولات بدهد، نشان داده می شود. همچنین برای مقولات به دست آمده نقل قول های خبرگان که به عنوان پیشنهاد برای ارائه مدل ذکر کرده اند برای تایید مقولات آورده شده اند و در این قسمت برای آنکه نکات کلیدی در هر تحلیل قابلیت پیگیری ساده تری داشته باشد، هر تحلیل با نموداری توسط محقق، جمع بندی شده است.

در فرایند کدگذاری می توان گفت که وقتی پژوهشگر کدگذاری محوری را انجام می دهد به دنبال پرسش هایی نظیر چرا؟ چگونه؟ چگونه؟ و با چه پیامدهایی؟ است. در این کدگذاری است که روابط و نسبت های میان مقوله ها و اجزای تشکیل دهنده پارادایم مورد پژوهش خود را نشان می دهد. شرایط به دست آمده در این مرحله از کدگذاری می تواند ویژگی های متنوعی داشته باشد، می تواند در سطح خرد و کلان باشد و یا حتی با گذشت زمان جایگاه آنان تغییر نماید و با صورت های متفاوت بر یکدیگر اثر بگذارند. بنابراین تشکیل ماتریس شرطی /پیامدی حکم یک راهنمای مفهومی را دارد و نباید دچار این اشتباه رایج شد. مسئله مهم در این جا این نیست که شرایط، تعامل و پیامد ها را شناسایی و لیست کنیم، بلکه آنچه تحلیلگر باید بر آن تمرکز کند در هم بافتگی پیچیده رویدادها است که به پدیده هسته ای مربوط می شود. در این زمینه استراوس و کوربین (۱۹۹۰) نیز این نصیحت را به پژوهشگران می کنند که بگذارید ساختار خودش را نشان دهد و به دنبال علت و معلول نباشید زیرا این مسئله باعث می شود که درک جریان پویای رویداد و ماهیت پیچیده روابط بین آنان خدشه دار شود. بنابراین در این قسمت پژوهشگر سعی بر رعایت این اصل را دارد و ضمن اینکه ساختار را توضیح می دهد ولی همچنان به این نکته اشاره دارد که تمام پدیده های به دست آمده در ارتباطی پیچیده و شبکه ایی باهمدیگر هستند و بر یکدیگر اثری پروانه ایی دارند. لذا برچسب هایی نظیر شرایط علی، دخیل، زمینه ای، تعاملات و پیامد ها برای آن است که مناسبات پیچیده میان پدیده ها را نظم ببخشیم.

1.Creswell

شرایط علی: شرایط یا سبب ساز معمولاً آن دسته از رویداد ها و وقایع اند که بر پدیده ها اثر می گذارند و این ها علل و عواملی هستند که مستقیم بر پدیده اصلی تأثیر می گذارند و در آفرینش آن نقش دارند. در این پژوهش شرایط علی عبارتند از زیست بوم دانشگاهی که شامل حکمرانی دانشگاه، مسئولیت اجتماعی و استقلال دانشگاهی است.

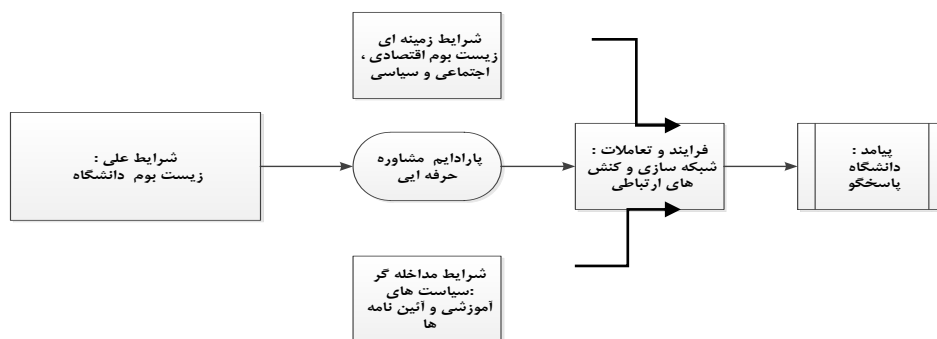
شرایط مداخله گر: این ها آن وقایع و پدیده هایی هستند که می توانند شرایط علی را تخفیف یا به نحوی تغییر دهند. البته شایان ذکر است که شرایط مداخله گر میتواند هم جنبه مثبت داشته باشد و هم جنبه منفی در این پژوهش، مقوله های سیاست های آموزشی و بسترهای قانونی به عنوان شرایط مداخله گر عمل می کنند.

شرایط زمینه ای: شرایط زمینه ای مجموعه ای از شرایط و وقایع هستند که نسبتاً پایدار و در بافت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی هستند که مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود می آورند. در این پژوهش اقتصاد دانش بنیان، مزیت رقابتی، اشتغال پایدار در زیست بوم اقتصادی و حکمرانی خوب و جامعه یادگیرنده به عنوان عوامل زمینه ای شناخته شده اند.

تعامل و فرایند ها: کنش هایی و تعاملاتی هستند که برای حل مسئله صورت می گیرند و در شکل گیری پدیده کمک می کنند. در این پژوهش شبکه سازی و کنش های ارتباطی به عنوان استراتژی برای رسیدن به پدیده هسته ای در نظر گرفته شده اند.

آخرین بخش پارادایم پیامد است که نتیجه و حاصل فرایند ها و تعاملات هستند که در اینجا پیامد تمام شرایط ها و کنش ها در ارتباط با پدیده هسته ای رسیدن به دانشگاه پاسخگو و رشد فناوری های نرم است.

در مسیر خلق مدل پژوهشگر اگرچه باید بکوشد تمام شرایط مربوط به پدیده را شناسایی و بازنمایی کند اما هیچ وقت نباید فرض کند که می تواند همه شرایط را کشف کند یا اینکه اصرار نماید هر شرایط یا مجموعه شرایط به پدیده مورد نظر او مربوط هستند.



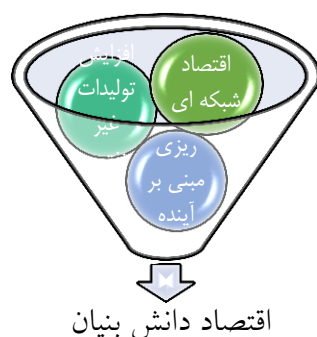
نمودار ۱: ارتباط منطقی بین مقولات عمده در مرحله کدگذاری محوری

در ادامه قبل از ورود به بررسی نظرات خبرگان درباره مدل مطلوب مشاوره حرفه ایی، این نکته به عنوان امری زیربنایی لازم است مورد توجه قرار گیرد که در کل (فارغ از مسأله در حال بررسی) ویژگی‌هایی در سیستم وجود دارد که ریشه مسائل آموزش عالی هستند طبیعتاً برای اجرا و کاربرد مشاوره حرفه ایی در دانشگاه نمی‌توان از آن‌ها چشم پوشید، بنابراین شاید بتوان گفت مدل به دست آمده در این پژوهش یک نوع مدل زمینه‌ای است که بسترهای کلان و زیرساخت‌ها را برای رسیدن به رویکرد مشاوره حرفه ایی نیز مورد واکاوی قرار می‌دهد و آن‌ها را به عنوان مقولاتی که بایستی در آفرینش مشاوره حرفه ایی مورد توجه و شناسایی قرار گیرند.

یک خبره اقتصادی با توجه به شرایط زمینه وضعیت مطلوب را چنین ترسیم می‌نماید:

بازنگری در اقتصاد حاکم، رویکرد اقتصاد چندجانبه، حرکت به سوی اقتصاد دانش‌بنیان، برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر آینده اندیشی در زمینه اقتصادی، افزایش تولیدات غیرنفتی از گام‌های نخست است.

«قبل از هر چیزی باید اقتصاد کشور از این حالت تک‌بعدی دریابد و یک نگاه چندجانبه بهش داشته باشیم. اقتصاد کشور باید به سوی اقتصاد دانش‌بنیان پیش برود... ما باید به راهکارهایی برای تولیدات غیرنفتی پیدا کنیم در این صورت است که اقتصاد ما سر پا می‌ماند و برای این مسئله نیازمند برنامه‌ریزی‌های راهبردی اصولی در امر اقتصاد هستیم. الان ما برنامه‌ریزی مبنی بر آینده اندیشی در این زمینه زیاد نداریم. من مثال می‌زنم الان تعدادی کشور هستند با اینکه نفت دارند و از لحاظ منابع طبیعی غنی هستند ولی زیاد بر اساس این اقتصاد کشورشون نمی‌چرخه آمدند و راه‌های غیرنفتی مانند صنعت گردشگری، صنعت، تجارت الکترونیک و امثال این‌ها پیدا کردند اونا هم میتونن از نفت یا هر ثروت دیگه طبیعی استفاده کنند ولی خودشون رو توی زحمت می‌اندازند چونکه آینده نگر هستند و منابع طبیعی و مهم را واسش برنامه‌ریزی کردند» کد (IN-E-6)



یکی از مطلعان کلیدی دیگر در حوزه اقتصاد بیان می کند:

«ما به گونه ای کهولت نظام اقتصادی و سیاسی را داریم که بی ثباتی های بلند مدت در اقتصاد ایران، فناوری و توانایی های کارآفرینانه در اقتصاد ایران را مستهلک کرده و اقتصاد ایران را وارد مرحله کهولت کرده است و بنابراین دیگر نمی توان به این اقتصاد فشار آورد و دیگر نمی توان با تزریق پول و اعتبار و سایر انگیزاننده ها این اقتصاد را به تحرک واداشت. اول باید مسئله بی ثباتی حل شود سپس عوامل کهولت درمان و زدوده شود و سرانجام سراغ تحرک بخشی و جهش اقتصادی برویم». (IN-E-7)



خبره دیگر با کد (IN-E-4) مسئله خصوصی سازی را مطرح می کند و معتقد است که این مسئله می تواند جان تازه ای به اقتصاد ایران بدهد

«دولت در ایران طی دهه های گذشته با تغذیه از دلارهای نفتی فربه شده است و در نتیجه اکنون نه خود می تواند حرکت چابکی را در اقتصاد تحقق بخشد و نه به راحتی می تواند با کنار رفتن از صحنه، راه را برای بخش های غیردولتی باز کند. عدم شکل گیری خصوصی سازی واقعی چالش مهم اقتصاد شناخته می شود. اینکه تنها ۱۳ درصد از واگذاری ها در بیش از یک دهه گذشته به بخش خصوصی واقعی رسیده است، نشان می دهد چابک سازی اقتصاد از طریق خصوصی سازی محقق نشده است. شکل گیری بخش شبه دولتی به واسطه این خصوصی سازی ها به چالشی جدید برای اقتصاد ایران بدل شده به نظر بنده توجه ویژه و کارآمد به خصوصی سازی می تواند در رفع این چالش کمک کند. ...»



«بایستی ساختار اقتصادی ایران مورد بازبینی قرار بگیرد اقتصاد ایران نیازمند اصلاحات ساختاری است. در این زمینه می توان با مطالعه تطبیقی و تجارب کشورهایی که این بحران را داشته اند به یک آگاهی و دیدی متفاوت رسید و فهمید که چه راهبرد ها و سیاست هایی در این زمینه اعمال کردند می توانیم اونا را یاد بگیریم و در انجام اصلاحات متناسب با زمینه خودمان از آن ها استفاده بکنیم. این تجارب قطعاً می تواند در بازبینی ساختار کمک شایانی بکند و این اصلاح ساختار اقتصادی به روی رویکرد اقتصاد دانشگاه هم تأثیر دارد و این تغییر در دانشگاه هم اتفاق می افتد و تنوع منابع مالی را با خود برای دانشگاه می یاره و تنوع مالی تصمیم گیری تخصصی می خواد که اینجا هم مشاوره حرفه ای می تونه نقش بازی بکنه». (کد IN-E-7)



خبره کد (IN-M-5) می گوید: «برای رسیدن به وضع مطلوب باید از محیط های کسب و کار درونزا شروع کرد و بعد شروع کنیم به کسب و کارهای بین المللی اینطوری کلی سرمایه خارجی رو هم وارد سیستم اقتصاد کشور می کنیم. اینطوری رسالت دانشگاه هم تغییر میکنه توی این فضا کارکرد دانشگاه هم خوان میشه با فضای کسب و کار اینجاست که ممکنه بحث مشاوره حرفه ای هم اهمیت و توسعه پیدا کنه اصلاً توی این فضای کسب و کار مشاوره حرفه ایی معنی پیدا میکنه و به عنوان یک آیتم رقابتی برای رسیدن به نقطه مطلوب...»



در زمینه سیاست گذاری ها خبرگان به مؤلفه هایی چون حکمرانی خوب، سیاست های دانش بر و بر اساس بنیان های علمی و شفافیت در نقش ها را به عنوان زمینه هایی که می تواند تأثیرگذار باشد بر روی کارکردهای دانشگاه و استفاده از رویکرد مشاوره حرفه ای، نام بردند.

خبره سیاست گذاری آموزشی معتقد هستند که ما نیازمند حرکت به سوی یک حکمرانی خوب هستیم این نوع سیاست با خود خیلی از گشودگی های لازم برای کارآمدی دانشگاه با خود به همراه دارد.

«دولت بایستی میزان استفاده از مهارت های فنی و کاری مدیران و میزان کارایی خودش را بالا ببرد. یعنی دولت در اجرای نوآوری های سیاسی ملی، تدوین به موقع بودجه های سالانه، نظارت بر فعالیت های اقتصادی - اجتماعی، ایجاد زیرساخت های ملی و حل مشکلات اقتصادی داخلی توانا باشد. همچنین در ارائه خدمات مدنی بدون تأثیر پذیرفتن از تغییرات سیاسی و جابه جایی های صورت گرفته در ساخت قدرت سیاسی و توانمندی در حل مسائل زیست محیطی داشته باشد. این نوع دولت اثر بخش و دولت اثر بخش بر روی رسالت ها و کارکرد ها و حتی کیفیت نظام آموزشی تأثیرگذار و این مسئله با خود کیفیت خدمات عمومی و شهروندی و همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط مشی های عمومی و دولتی و میزان تعهدی که دولت در برابر در اجرای سیاست ها را داره بالا می بره...»

کد (IN-P-5)

خبره متخصص جامعه شناس معتقد هست که: «سیاست ما باید دانش بر بشه و بر اساس بنیان های علمی صورت

بگیره...» کد (IN-S-1)



بر اساس تحلیل داده ها می توان گفت در یک جهان زیست با حکمرانی خوب، بحران های زیست محیطی می تواند تا حدودی حل شوند و برای بالا بردن کیفیت سطح زندگی افراد جامعه خدمات مدنی ارائه می شود. همچنین تا حدود زیادی مشکلات اقتصادی قابل حل هستند و اجرای سیاست ها و راهبرد ها به خوبی صورت می گیرد. بنابراین می توان گفت که حکمرانی خوب، دانشگاهی با حکمرانی خوب را به ارمغان می آورد. برای رسیدن به یک دانشگاه پاسخگو با رویکرد مشاوره حرفه ایی نیازمند تغییر در حکمرانی دانشگاهی هستیم و برای تغییر در حکمرانی دانشگاه پیش آن نیازمند تغییر در حکمرانی جامعه باید صورت بگیرد. البته این تغییر یک پارادیم دو سویه هست و بر روی همدیگر تأثیر بسزایی دارند به نوعی که ممکن است تغییر حکمرانی دانشگاه با خود تغییر حکمرانی جامعه را نیز به همراه آورد. علاوه بر این مسئله نمی توان این نکته را فراموش کرد که حکمرانی خوب یکی از عناصر بسیار کلیدی است که عملکرد نظام آموزش عالی و دانشگاه ها را تعیین می کنند.

در ادامه خبره سیاست گذار عنوان می کند که: «اگره قراره که به یک وضع مطلوب برسیم به نظر من بهتره که نقش ها و متولی ها به صورت شفاف مشخص بشه. و در عین این مشخص شدن نقش ها نهادها باهم در ارتباط باشن. مثلاً رئیس مجری هست نه سیاست گذار... مثلاً فلان نهاد، نهاد سیاست گذاری است برای فلان قسمت. دیگه بقیه نیان واسه خودشون خط مشی تعریف کنند یا حتی تجویز کنن. بعد از این مسئله ارتباط بین اجزا خیلی مهم است الان می بینید و همان طور که گفتم بین نهاد سیاست گذار X با نهاد سیاست گذار Y ارتباط مستمر و اثر بخش نداره و اگره ارتباطی داره به صورت منفک هستش» (IN-P-2)



در بستر اجتماعی و فرهنگی بر اساس گفته های خبرگان می توان گفت وضع مطلوب نیازمند، جامعه ای یادگیرنده و با افرادی با مسئولیت اجتماعی و ارتباط همزمان علم با جامعه است.

در این خصوص خبره علوم اجتماعی در زمینه ارتباط علم با جامعه می گوید:

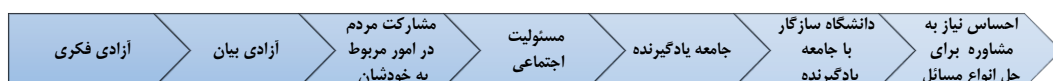
«دانشگاه های ما زبان ارتباط با مردم را باید پیدا کنن و خودش رو از این حالت ایزوله باید دریاره یک مثالی بزمن توی چین اساتید دانشگاه وقتی یک محصول رو ایجاد میکنند خودشون اون رو به مردم معرفی میکنند. به گمان من در این محیط ایزوله مشاوره حرفه ایی نمیتونه رشد کنه. بایستی استاد در ارتباط با مردم و شرکت و بازار ها باشه تا بتونه با مسائل آشنا بشه و بعد به عنوان عضو دانشگاه برای حل اون مسئله یک چیزی رو تولید و بعد کاربردی کنه. ای چیز میتونه یک تصمیم گیری باشه می تونه یک کالا و حتی دانش باشه» (IN-S-5).



تحلیل داده ها داده ها این مسئله را نشان می دهند که ارتباط دانشگاه با جامعه در ایران مغفول مانده است در صورتی که این موضوع در اکثر دانشگاه های پیشرفته یکی از الویت های مهم به شمار می رود. وقتی دانشگاه با جامعه در ارتباط باشد، استاد نیز با در جامعه در تعامل قرار می گیرد که در این تعامل رویکرد مشاوره حرفه ای در انتقال و تبدیل دانش به جامعه کمک خیلی زیادی می کند در این شبکه از تعاملات است که می توان جامعه ای مبتنی بر دانش خلق شود. بنابراین رویکرد مشاوره حرفه ای می تواند به عنوان یک شاهره در تعامل دانشگاه و استاد با جامعه شناخته شود.

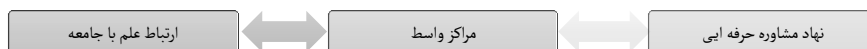
در ادامه خبره دیگر به نکاتی مهمی اشاره دارد که با دسته بندی این موارد می توان به مؤلفه مهم و اساسی جامعه یادگیرنده رسید.

«ما برای رشد و توسعه جامعه مون نیازمند مؤلفه های مثل آزادی فکری، گفتگوی آزاد... مشارکت مردم در مسائل مدنی خودشان... توی کشورهای مثل مالزی، اندونزی که روزی فقیر بودند و الان از ما جلوتر هستند زمانی تونستند به این نقطه برسند که به گفتمان درست رسیدند و به این مسئله پی بردن که افراد جامعه خودشان صاحب اختیار خودشان هستند توی این حالت افراد احساس مسئولیت میکنند نسبت به سرنوشت خودشان و محیطشون... توی این وضعیت افراد برای اینکه تصمیمات مناسب بگیرند به علم پناه می برند و همه کار آن ها مبتنی بر دانش می شه... دانشگاه های همین کشور ها به خاطر رعایت کردن این موارد خیلی خوب تونستند رشد کنند». کد (IN-S-6)



مطلع کلیدی دیگر معتقد است که علم زیاد نتواسته به کمک مسائل جامعه بیاید ولی برای این مسئله عنوان می کند که شاید واسطه های مناسبی بتوانند در این زمینه کمکی بکنند

«باید به این توجه داشته باشیم که علم تا چه حد تونسته مسائل کشور را حل کنه؟ در ایران در این بعد ضعف های خیلی بزرگی وجود داره این مسئله باید حل بشه باید راهکارهایی ایجاد بشه که بین جامعه و دانشگاه های و مراکز آموزشی ارتباط مفید برقرار بشه. راهکاری مثل ایجاد واسطه های برای این برقراری. نزدیکی اعضای علمی با نیازهای جامعه و مردم و شاید همین مشاوره حرفه ای بتونه در راستای این ارتباط مفید باشه چون بالاخره توی رویکرد مشاوره خانواده علمی با جامعه و سازمان ها و شرکت ها باید ارتباط برقرار کنند. الان توی جامعه علمی ما مشغول حل کردن مشکلات جوامع دیگه هستیم تا خودمون». کد (IN-P-3)

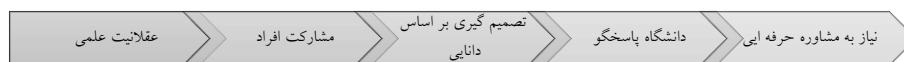


خبره دیگر به این نکته اشاره دارد که: «مردم باید خریدار و طالب علم و کاربرد دانش در زندگی روزمره شان باشند. ما می تولید داشته باشیم ولی مخاطب نداشته باشیم و کسی از آن استفاده نکنه عاقبت خوبی نداره و اون یافته و رویکرد میمیره». کد (IN-S-4)



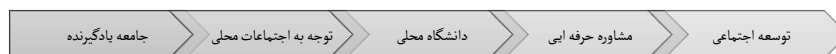
مطلع کلیدی دیگر اذعان دارد که مشارکت دادن افراد جامعه امر مهمی هست و با باز شدن درهای دانشگاه به روی جامعه عقلانیت علمی را به وجود می آورد.

«نیازمند این هستیم که مردم رو مشارکت بدهیم در امورشان. من دانشگاه نباید دور خودم دیوار بکشم. وقتی علم وارد جامعه میشه. افکار غیرعلمی از بین میره، نگاه مردم به مسائل عمیق تر میشه. کلاً مسائل رو میبینن. هم نیاز به مشورت کردن پیدا میکنند و خودشون رو مسئول میدونن در قبال مشارکتی که دارن در زمینه امور مدنی خودشون انجام میدهند». کد (IN-EX-4).

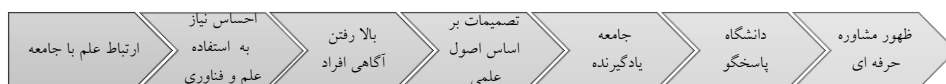


جامعه شناس خبره به این نکته اشاره دارد که نقش اجتماعات محلی در ایجاد یک جامعه یادگیرنده بسیار مهم و کلیدی است و در این مسئله نباید اجتماعات محلی را ناچیز بشماریم بلکه کشورهایی که به اجتماعات محلی توجه ویژه کردند بسیار موفق بوده اند در توسعه کشورشان.

«اجتماعات محلی بحث خیلی مهمی است توی جامعه دانش بر باید به این نکته توجه بشه و شناسانده بشه». کد (IN-S-1)



«یکی از نکاتی که باید مدنظر داشته باشیم که بتونیم علم رو وارد جامعه کنیم و کاری بکنیم که مدیران، سیاست گذران و. علمی فکر بکنند این است که به مردم آموزش دهیم و نشون بدیم که علم و فناوری چقدر توی زندگی شون مؤثر هست و اگر علمی فکر کنیم و تصمیم بگیریم چقدر نفع می بریم». کد (IN-P-4).

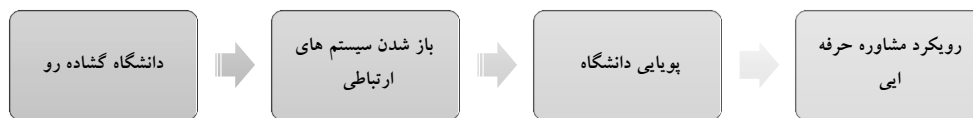


همان‌طور که تحلیل داده‌ها نشان می‌دهند می‌توان گفت که جامعه یادگیرنده نقش بسزایی نیز در یک دانشگاه پاسخگو با رویکرد مشاوره حرفه‌ای دارد. در یک جامع یادگیرنده است که مسئولیت اجتماعی، مشارکت عمومی و آزادی فکری و بیان معنی پیدا می‌کند و جامعه را به سوی یک جامعه توسعه یافته می‌برد. در یک جامعه یادگیرنده است که علم همگانی می‌شود و در تمام شریانهای زندگی جریان پیدا می‌کند و با خود شکوفایی و خرد جمعی می‌آورد. همچنین در این جامعه است که دانشگاه پاسخگو شروع به شکل‌گیری می‌کند و برای پاسخگویی به مسائل اجتماعات محلی آماده می‌شود و قدم به قدم پیش می‌رود تا در نهایت به تکامل یک جامعه دانایی کمک نماید و در این فضا است که نیاز به حرفه‌ای و علمی حل کردن مسائل شکل می‌گیرد و زبان علم تنها زبان مشترکی می‌شود برای حل مسائل در اینجاست که مشاوره حرفه‌ای برای پاسخ به این نیاز پدید می‌آید.

بعد از ارائه مدل‌های مطلوب در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی - فرهنگی تأثیرگذار بر روی رویکرد مشاوره حرفه‌ای به ارائه وضع مطلوب دانشگاه پرداخته می‌شود.

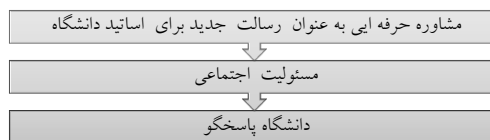
در این بخش مطلع کلیدی ارتباط بین دانشگاه با سایر نهادهای دیگر را مهم می‌داند:

«بین دانشگاه و سایر وزارت‌خانه‌ها ارتباط وجود ندارد در صورتی که دانشگاه باید باز باشد و در ارتباط با بقیه نهادها باشد...» کد (IN-EX-1)



خبره دیگر در زمینه وضع مطلوب دانشگاه به نقش اساتید اشاره می‌کند:

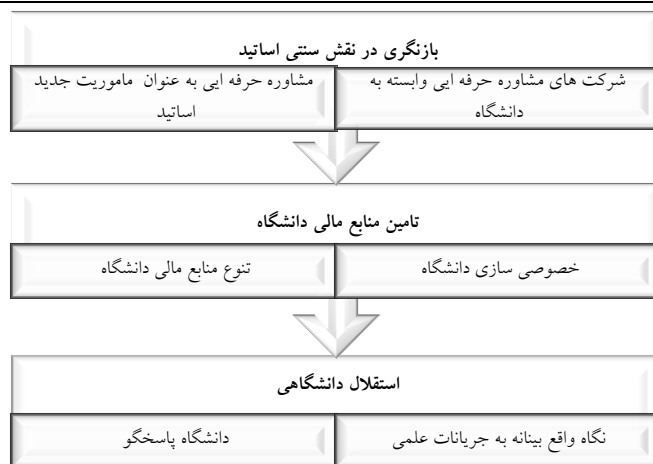
«ما اساتید بیشتر دانشگاه را به عنوان یک شغل می‌بینیم. وظایفمون رو انجام میدیم، حقوقمون رو هم میگیریم و اعتبار هم داریم. همین برایمان کافی است. احساس مسئولیت نسبت به مسائل جامعه را باید در دانشگاه افزایش دهیم باید پاسخگو بودن رو ارزش بدیم و جزء رسالت‌های دانشگاه باشه. استاد باید نگاه به بیرون دانشگاه هم داشته باشه» کد (IN-M-4)



از این داده‌ها می‌توان اینگونه تحلیل نمود که برای رسیدن به یک دانشگاه پاسخگو ابتدا باید آن را در گهواره جامعه یادگیرنده شکل داد. در این گهواره است که دانشگاه احساس نیاز به رسالت‌های جدید می‌کند تا بتواند به بقا ادامه

دهد و باید در خود یک دگردیسی ایجاد نماید تا بتواند جانی تازه نماید و شروع به تکامل نماید در این مسیر قطعاً به مسئولیت اجتماعی نیاز هست تا بتوان به صورت کامل و همه بعدی شروع به تکامل نمود. بدون مسئولیت اجتماعی این تکامل همه جانبه صورت نمی گیرد در نتیجه یک دانشگاه سندرومی با کلی اختلال به وجود می آید که بی گمان گهواره خود را نیز تحت تأثیری قرار می دهد و از حرکت متناوب و منظم گهواره (جامعه یادگیرنده) نیز جلوگیری می کند.

خبره دیگر معتقد است که رویکرد مشاوره حرفه ایی می تواند در تأمین منابع مالی نقش مهمی داشته باشد و اساتید در این زمینه می توانند بر اساس اصول و قوانین حاکم بر اصول مشاوره حرفه ایی در هر قراردادی که امضا می کنند قسمتی از سهام را به دانشگاه خود واگذار می کنند. در کشورهای همانند انگلیس این رویکرد برای اساتید وجود دارد. «در بسیاری از دانشگاه های دنیا حدود ۵۰ درصد درآمد دانشگاه از شرکت های است که توسط اساتید تأسیس شده اند و استاد موظف است که قسمتی از سهام این شرکت را به دانشگاه بدهد. این شرکت ها می توانند شرکت های مشاوره ای هم باشند. اما توی دانشگاه های ما از این رویکرد استقبال نمی شود و اگر صورت بگیرد متأسفانه اصولی انجام نمی شود. این مسئله استقلال دانشگاه را نیز از بین می برد در صورتی که این تأمین درآمد باعث استقلال دانشگاه می شود. ما اصلاً به چیزی به نام شرکت خصوصی در خصوص علم و فناوری که می تونه تولید ثروت بکنه رو نداریم تا جایی که من می دونم. در صورتی که این مسائل قسمتی از جریانات علمی در کل دنیا هستند ... در اینجا باید این دید منفی به علم که می توان از آن ثروت به وجود آورد از بین برود. استاد می تواند با ایجاد یک تیم مشاوره ای و با ایجاد یک شرکت مشاوره ای هم در راستای درآمد زایی دانشگاه گام بردارد هم میتونه مسائل مختلف جامعه را با اصول علمی حل کند ...» (IN-M-3)

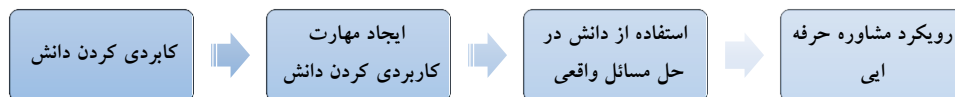


بر اساس تحلیل داده ها می توان گفت که یکی از مسائل مهمی که در رسیدن به دانشگاه پاسخگو با رویکرد مشاوره حرفه ایی مهم است مسائل مالی می باشد که در زیست بوم دانشگاه به عنوان منابع مالی دانشگاه می توان از آن یاد نمود. در حال حاضر همان طور که در سطور پیشین توضیح داده شد تأمین منابع مالی دانشگاه وابسته به دولت و نفت است که این مسئله با خود بستگی های زیادی برای دانشگاه به همراه دارد و دانشگاه را از گذاشتن پایه های اولیه برای رسیدن به استقلال دانشگاه و پاسخگویی به جامعه باز می دارد. بنابراین قدم گذاشتن در استقلال مالی دانشگاه گام مهمی برای رسیدن به استقلال واقعی دانشگاه برای پاسخگویی واقعی آن است. در اینجا یکی از راهکار هایی که می تواند به استقلال مالی دانشگاه کمک کند نگاهی متفاوت به نقش اساتید دانشگاه هست. اساتید دانشگاه علاوه بر نقش آموزگاری خود می توانند با تشکیل یک گروه از مشاوران حرفه ایی به صورت تیمی در راستای حل مسائل جامعه قرارداد هایی را با دیگر سازمان ها، نهادها و اجتماعات محلی ببندند که علاوه بر اینکه یک منبع بسیار مهم مالی برای دانشگاه محسوب می شود، باعث ارتباط دانشگاه با جامعه نیز می شود و دانشی که در دانشگاه تولید می شود در بیرون از آن به صحنه ظهور می رسد و از آن استفاده می گردد.

مطلع کلیدی در حوزه فناوری به این معتقد است که در دانشگاه های ایران مهارت کاربردی درس دادن و کاربردی کردن دانش را هنوز صورت نگرفته است و دانشجویان بیشتر از لحاظ تئوری قوی هستند بدون اینکه بتوانند آنان را برای حل مسائل به کار ببرند.

«یه فرقی که بین فارغ التحصیلان ما و بقیه کشور ها مثل آلمان، امریکا، انگلیس و... اینه که اونا خیلی خوب یاد گرفتند که چطور دانش را کاربردی بکنند و درس های رو کاربردی دهند. ولی در این جا یک تحصیل کرده خیلی

کاربردی نیست فقط از لحاظ نظری قوی است و سواد تئوری دارد متأسفانه دانشگاه های ما این طور افراد را تربیت می کند. مهارت های مورد نیاز برای کاربرد علم در زندگی روزمره و کار را بهشون یاد ندادیم» (IN-EX-2).



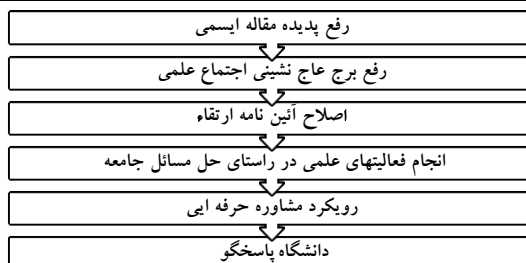
خبیره علوم اجتماعی به نکاتی چون پدیده مقاله نویسی و فاصله زیاد اجتماع علمی با مردم جامعه و بی نقشی علم در رفع مسائل جامعه اشاره دارد و معتقد است که برای رسیدن به وضع مطلوب دانشگاه باید از این موانع گذشت. «الان توی محیط های علمی ما یه جواری شده که اکثر اساتید مقاله می نویسند و کتاب می نویسند بدون اینکه به این نکته توجه کنند که واقعاً افراد جامعه این مباحث رو می خونن یا درک می کنند. به نظر من یک بی توجهی در اینجا نسبت به مردم وجود داره و اینه که اجتماع علمی همشون رو نمی گم درک مسائل رو حق مردم نمیدونن اونا مقالات رو برای افراد هم سطح خودشون می نویسند و این فرهنگ توی اجتماعات علمی اینجا مرسوم هستش. متأسفانه قوانین و مقررات مثل آئین نامه ارتقا و خیلی دیگه از قوانین دیگه این نوع فرهنگ رو چه خواسته یا ناخواسته تقویت می کنن. ما هرچی یک استاد پیچیده تر حرف بزنه فکر می کنیم که اعتبار کارش بیشتره و علمی تر هست در صورتی که به این مسئله نگاه نمیکنیم که گفته های این استاد یا نوشته های اون استاد چقدر روی زندگی مردم جامعه تأثیر گذاشته چقدر تونسته یک مسئله از مسائل مردم جامعه را حل کنه». (IN-S-6)

خبیره دیگر نیز به ضعف و ناکارآمدی آئین نامه ارتقاء نیز اشاره دارد.

«الان توی دانشگاه متأسفانه یه استاد کاراش رو بر اساس آئین نامه ارتقا انجام میده ... به خاطر همین به نظر من باید مشاوره حرفه ایی به عنوان یک مؤلفه در ارتقا اساتید ذکر بشه اساتید به جای اینکه این همه مقاله بی مصرف بنویسند حداقل یه کار مفیدی انجام بدن و مسئله ای را حل کنن...» (IN-P-4)

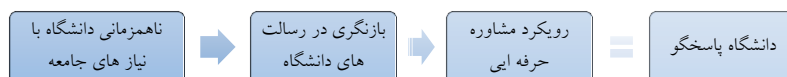
مطلع کلیدی وزارت علوم تغییر و بازنگری در رسالت های دانشگاه را مهم می داند و رسالت جدید پاسخگویی را برای دانشگاه خواستار است که برای رسیدن به این رسالت شاید بتوان گفت که مشاوره حرفه ایی می تواند گامی باشد در مسیر دانشگاه پاسخگو.

«رسالت دانشگاه بایستی تغییر بکنه. دانشگاه باید پاسخگو باشد و هیچ چیزی نباید این وظیفه را نزد اونا کمک رنگ کند. دانشگاه پاسخگو در این زمانه می تونه زندگی کنه و رشد کنه... رسالت های دانشگاه های ما چندان رشد نکردند و همگام با نیازهای جامعه پیش نرفته اند. و اگر تغییری بوده یا هست در ظاهر است نه در عمق و محتوا ...» (IN-EX-5)



یکی دیگر از مسائلی که در داده ها به آن اشاره شد مسئله آئین نامه ارتقاء و مبحث مقاله نویسی در حد افراطی آن است. همان طور که در بالا اشاره شد یکی از راه حل هایی که در تأمین منابع مالی می تواند به دانشگاه کمک کند نقش اساتید دانشگاه با رویکرد مشاوره حرفه ایی است. متأسفانه در آئین نامه ارتقا اساتید به این رویکرد اشاره ای نشده است. همچنین آئین نامه ارتقا دارای کاستی های فراوانی است که باعث شده پدیده ای به نام مقاله ایسمی در اجتماع علمی به وجود بیاید و رسالت واقعی و مهم یک استاد را به حد مقاله نویسی تقلیل دهد. در حالی که یک دانشگاه پاسخگو نیازمند استاد پاسخگو هست بنابراین همراه با تغییر در دانشگاه بایستی در نقش های اساتید نیز تغییر ایجاد شود و باز تعریف اساسی و بنیادین در مفهوم استاد شود.

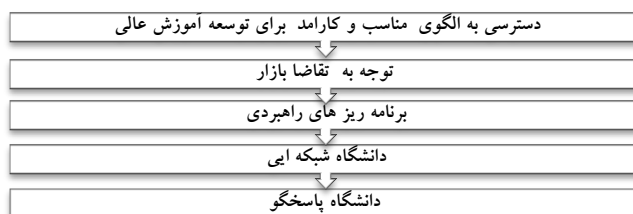
علاوه بر این مطلع کلیدی خبره دیگر نیز به این نکته اشاره دارد. «دانشگاه های ما نتوانستند همگام با پیشرفت جلو بروند. تحولات زیادی در جامعه اتفاق افتاده ولی دانشگاه نتوانسته پاسخگو باشد و هماهنگ با اونا جلو ببره... این نشون می ده که دانشگاه باید یک بازنگری اساسی در رسالت های خودش داشته باشه...» کد (IN-M-5)



خبره دیگر در زمینه برنامه ریزی اذعان دارد که نبود یک الگوی کارآمد و خوب با خودش بحران های زیادی برای آموزش عالی آورده است. این خبره در ادامه خاطر نشان می کند که دست یابی به یک الگوی مناسب برای توسعه آموزش عالی می تواند راهگشا باشد.

«الان مسئله نظام آموزش عالی به نظر من اینه که ما الگوی خوب و مناسبی نداریم. یه سردرگمی در نظریه های مورد استفاده در آموزش عالی در ایران وجود داره. مثلاً الان می تونم بگم که الگوی توسعه آموزش عالی براساس تقاضای اجتماعی هست در این الگو تقاضای بازار نادیده گرفته میشه پیامد این الگو رو هم الان می بینیم

فارغ التحصیلان بیکار... دانشگاه نیازمند کارکردهای چندگانه است و این نیازمند برنامه ریزی های منسجم و مهم راهبردی هستش.» کد (IN-M-3)



مسئله مهم دیگری که در داده ها برای رسیدن به یک دانشگاه پاسخگو با رویکرد مشاوره حرفه ای به آن اشاره شد دستیابی به یک الگوی مناسب برای توسعه آموزش عالی در ایران است که در این الگو بهتر است که به تقاضای بازار توجه شود و در برای رسیدن به این الگو نیازمند برنامه ریزی های راهبردی در راستای ایجاد یک دانشگاه پاسخگو می باشد.

دو خبره دیگر در گفته های خود به این نکته ها اشاره کردند:

«ببینید مشاوره حرفه ای توی دانشگاهی که کار مشارکتی و انعطاف پذیری در پاسخگویی به چالش ها و مسئولیت پذیری در آن نهادینه شده باشه معنی پیدا میکنه. ...دانشگاه باید نقش آفرینی در توسعه اقتصادی داشته باشه و علاوه بر آموزش و پژوهش در پی کارکرد سومی هم باشه که بتونه به نیازهای جامعه و اقتصاد جوابگو باشه... الان بحث دانشگاه کارآفرین مطرحه. توی این دانشگاه کارآفرین رسالت اصلی دانشگاه پاسخ به نیازهای جامعه بخصوص در قسمت اقتصاد است. مشاوره حرفه ای توی این نوع دانشگاه میتونه کارکرد داشته باشه. البته الان این بحث دانشگاه کارآفرین توی ایران با دانشگاه کارآفرین واقعی خیلی فاصله داره. دانشگاه کارآفرین در اینجا فقط یک اسم هست و واقعاً رسالت واقعی خودشو انجام نمیده. البته این معضل خیلی از الگوی های ما هست که توی این ساختار به حداقلی خودش نزول پیدا می کنه... توی خیلی از محافل که میره دم از دانشگاه کارآفرین میزنن ولی زمینه این دانشگاه هم توی جامعه ما هم میسر نشده... و این طور دانشگاه مثل خیلی دیگه ای مثلاً پارک های علم و فناوری ... دفتر ارتباط دانشگاه با صنعت به یک سری کارهای اداری و ورق بازی تبدیل میشه. دانشگاه کارآفرین اگه با رسالت واقعی شکل بگیره قطعاً می تونه مشاوره حرفه ای در اون رشد کنه و کارکرد اصلی خودشو انجام بده ...» کد- IN

M-2

«دانشگاه باید بتواند با بازار کار متصل شود اصلاً به خاطر این مسئله دانشگاه کارآفرین به میان آمد چون یکی از رسالت های این دانشگاه اینه که فعالیت های دانشگاهی را با نیاز بازار کار منطبق کند که یکی از راه های آن میتوانست ارائه مشاوره باشد ولی توی ایران متأسفانه دانشکده های کارآفرینی که رسالتشون ترویج کارآفرینی، آموزش

کارآفرینی تربیت افراد کارآفرین است شکل نگرفته است و مدلی که وارد دانشگاه‌های ما شده این‌طور عمل نمی‌کند و در حد سمینار، کتاب و مقاله هست ...» (کد 1N-M-1).



در این داده‌ها به نقش‌آفرینی دانشگاه در توسعه اقتصادی اشاره شده است. در مباحث مربوط به آموزش عالی همیشه نقش آن در توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و در این زمینه مباحث زیادی نوشته شده است ولی آنچه مهم است این است که در دنیای واقعی چطور آموزش عالی می‌تواند در توسعه اقتصادی یک کشور نقش داشته باشد و دانشگاه باید از چه مکانیزمی استفاده کند؟ در این زمینه پای مأموریت سوم برای دانشگاه به میان آمد که در این رسالت مدل دانشگاه کارآفرین مورد توجه واقع شد و دانشگاه کارآفرین کلیدی شد برای دانشگاه که در رسالت خود در توسعه اقتصادی یکی کشور نقش داشته باشد. اما مسئله‌ای که در جامعه ایرانی بر سر دانشگاه کارآفرین آمد این علامت سؤال را به وجود آورد که چه چیزی در این میان نبوده است که دانشگاه کارآفرین نتوانست رسالت واقعی خود را انجام دهد؟ در این خصوص علاوه بر آن گهواره زیست جهان جامعه ایران که نقش اساسی در این اختلال دارد میتوان اذعان نمود که جای حلقه رویکرد مشاوره حرفه ایی نیز خالی بوده است. بنابراین برای یک دانشگاه کارآفرین با رسالت واقعی به حلقه رویکرد مشاوره حرفه ایی نیاز است.

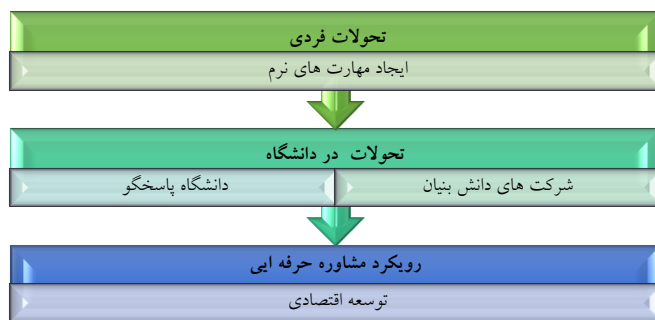
مطلع کلیدی دیگر معتقد است که:

«دانشگاه باید از وابستگی اش در بیاد... با این وابستگی دانشگاه چیزی ازش در نیامد ... وقتی وابستگی باشه چه از لحاظ مالی چه از لحاظ علمی رشدی صورت نمی‌گیره ... تغییری ایجاد نمیشه ... رسالت جدیدی در اون شکل نمیگیره. مشاوره حرفه ایی توی این دانشگاه وابسته و جیره خوار به چه دردی میخوره... اگر شکل بگیره مثل بقیه قسمت‌ها میشه کاملاً فانتزی و بدون کاربرد... دانشگاه‌های ما کلی بدهی دارند که به خاطر وابستگی مالی شون هست ... دانشگاهی که خودش باید منبع ثروت و پول باشه دستش جلوی بقیه درازه... استقلال مالی و علمی نکته اصلی برای حل این مسئله است...» (کد 1N-EX-5).



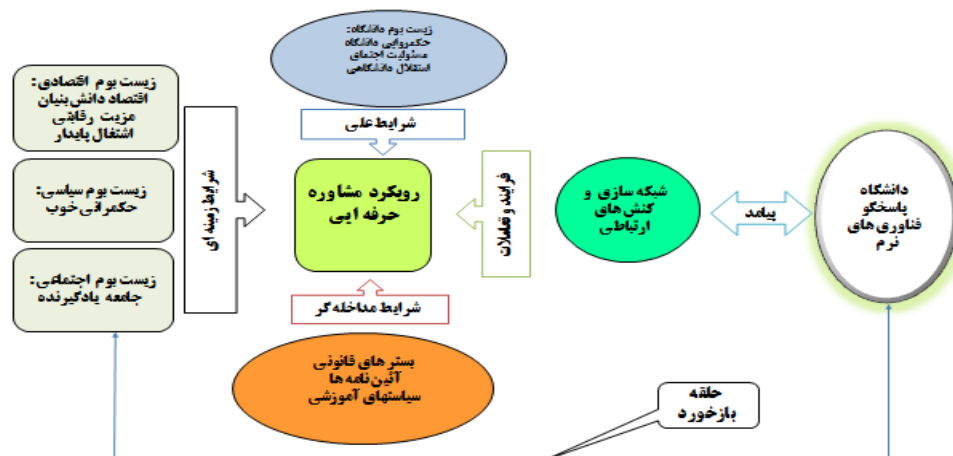
در ادامه خبره اقتصادی به تحولات فردی اشاره دارد و معتقد است که وقتی دانشجویان و اساتید مهارت‌های لازم را داشته باشند دانشگاه خود به سمت پاسخگویی می‌رود و این افراد نیاز به مشاوره حرفه ایی را می‌توانند احساس کنند.

«افراد خیلی مهم هستند بهتره که از افراد شروع کنیم. وقتی ما بیاییم یک فرد با مهارت های مثل مسئله نگری، کارآفرینی. نقادی. یادگیری کار گروهی... کنجکاوی خردمند و خیلی دیگه از مهارتی که الان دقیقاً حضور ذهن ندارم... تربیت کنیم. کار بزرگی انجام دادیم. این افراد با این نوع تربیت خود به خود ساختار را هم اینگونه میکنند. میتونن گلیم خودشون رو از آب بکش بیرون. میتونن با سبد مهارتیشون کار پیدا بکنن. روحیه مشورت گرفتن میگیرن. یه چیز یکه من دیدم اینه که بچه های جوون و خوش فکر که شرکت های دانش بنیان رو انداختن و تا حدود زیادی این مهارت ها را دارن از تیم مشاوره حرفه ای استفاده میکنن. و مسائل شرکت با یک تیم مشاوره متخصص حل میکنن... الان درسته که تعداد این مورد ها کمه ولی تصور کن این طور مسائل زیاد بشه یواش یواش تا چشم باز میکنی میبینی بازار و اقتصاد این شکلی شده ... ما انتظار نباید داشته باشیم یک شبه همه چیز درست بشه ... دانشگاه باید روی این مهارت ها خیلی سرمایه گذاری بکنه» کد (IN-E-4).



در تحلیل این داده ها می توان به این نکته هرچند در مقیاس خرد ولی بسیار مهم اشاره کرد و آن تحولات فردی می باشد در این داده ها از نگاه جزء به کل نگاه شده است داشتن یک دانشگاه پاسخگو با رویکرد مشاوره حرفه ای برای توسعه اقتصادی را در ایجاد تحولات فردی می داند. بر اساس تحلیل داده ها می توان گفت که تحولات فردی با ایجاد فناوری های نرم در افراد می توان زمینه ساز تحولات در دانشگاه باشد و داشتن افرادی با مهارت هایی در راستای پاسخگویی با خود دانشگاه پاسخگو را نیز به همراه دارد.

مدل مطلوب رویکرد مشاوره حرفه ایی بر اساس مدل پارادیمی استراوس و کوربین به نقل از کرسول (۲۰۱۲)



در این مرحله از فرایند تحلیل داده ها میتوان گفت که دست به کد گذاری گزینشی زده شده است. گرچه کدگذاری گزینشی مرحله ای مکانیکی و جدا در پایان کار نیست و در تعامل و ارتباط تنگاتنگ با مراحل دیگر کدگذاری به دست می آید. در این مرحله مقوله مرکزی ماهیت خود را به خوبی نشان می دهد و با تعقیب خط اصلی داستان در چارچوب یک مدل پارادایمی که در برگیرنده شرایط، فرایند ها / تعاملات و پیامد ها می باشد نسبت به ارائه نظریه زمینه ای پرداخته می شود.

با توجه به تحلیل داده ها و شکل گیری مقوله مرکزی پژوهشگر به این تفسیر رسیده است که مشاوره حرفه ایی یک عملکرد یا راه حل جزئی برای رسیدن به یک دانشگاه پاسخگو نیست. بلکه آن را یک پارادایم معرفی می کند که می تواند قدم در شناخت و فهم پیچیدگی های زیست جهان دانشگاه نهد و دانشگاه را در ساختن مهارتی برای مشروعیت بخشیدن و بقا خود کمک نماید. شاید زمان آن رسیده است که علت و معلولی پدیده ها ی که دانشگاه را در خود فرو برده است فاصله بگیریم و در شناخت و روابط پیچیده آن گام برداریم. مشاوره حرفه ایی با نگاه جدیدی که به رسالت های دانشگاه و نقش اساتید و دانشجویان و نوع روابطی که با زیست های دیگر دارد می تواند در تغییر الگوهای حاکم بر دانشگاه ایرانی کمک شایانی نماید.

همان طور که در مدل نشان داده شده است. پدیده اصلی مسئله رویکرد مشاوره حرفه ایی است که زیست بوم های اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، اقتصادی به عنوان شرایط زمینه ایی بر روی پدیده اصلی اثر می گذارد. علاوه بر این

زیست بوم دانشگاه، حکمروایی، استقلال دانشگاه و مسئولیت اجتماعی عنوان موجبات علی مقوله‌ای اصلی است که رویکرد مشاوره حرفه ایی از آن‌ها جان می‌گیرد. در این بین تعاملات و فرایندهایی نیز بر روی پدیده اصلی تأثیرگذار هستند، در مدل ارائه شده شبکه سازی و کنش‌های ارتباطی به عنوان عناصری که جریان را در دیگر مقولات به حرکت در می‌آورند شناخته شده است. به بیان دیگر می‌توان گفت که در بخش فرایند ها و تعاملات به نوعی نظریه شبکه – کنشگر بتواند واقعی ترین جریانی که در مقولاتها اتفاق می‌افتد را تا حدودی تبیین کند. در ادامه یک سری مقولات مداخله ایی نیز کشف شده است در این مدل بسترهای قانونی، آئین نامه های ارتقاء اساتید و سیاست‌های آموزشی به عنوان مقولات مداخله گر می‌توانند در خلق رویکرد مشاوره حرفه ایی در دانشگاه تأثیر بگذارند بنابراین لازم است که این مقولات را بررسی و حل نموده تا مسیری مناسب‌تر برای ایجاد مشاوره حرفه ایی ایجاد شود.

در نهایت پیامد این کنش‌ها و جریانات پیچیده باعث خلق و ظهور دانشگاه پاسخگو با رشد فناوری‌های نرم می‌شود که می‌تواند در حل نیازهای جامعه یاری رسان باشد و علم را بیشتر در رگهای جامعه جریان دهد در این صورت هست که علم اجتماعی و وارد زندگی افراد می‌شود برای زندگی و دنیای بهتر. در اینجا برای آگاهی از اینکه در جای درستی قرار گرفته ایم یا نه نیازمند حلقه بازخورد هستیم، این حلقه نشان می‌دهد که آیا ما واقعاً توانسته‌ایم به این مدل مطلوب دست پیدا کنیم یا نه. علاوه بر این حلقه بازخورد به مدل هشدار می‌دهد که برای بقاء به طور مداوم و پیوسته نیازمند دگرگونی و تغییر هستیم.

بر اساس مدل مطلوب رویکرد مشاوره حرفه ایی میتوان بیان کرد که برای رسیدن به دانشگاه با رویکرد مشاوره حرفه ای عوامل زیادی تأثیرگذار هستند. این عوامل در یک دنیای شبکه‌ای بر روی یکدیگر اثر می‌گذارند به گونه ای که اگر یکی از این عوامل نتواند به درستی انجام شود به تمام شبکه و کنش‌های ارتباطی آن اثر می‌گذارد. در مدل ارائه شده عوامل اساسی چون اقتصاد دانش‌بنیان، جامعه یادگیرنده، حکمرانی خوب، سازمانهای یادگیرنده، آمایش سرزمین، مسئولیت اجتماعی و... وجود دارد که بدون ایجاد آن‌ها رویکرد مشاوره حرفه ای خلق نمی‌شود. همچنین در شبکه ایجاد شده میدانی از مبادلات ارتباطی و برهمکنش‌ها وجود دارد نقش حیاتی در رویکرد مشاوره حرفه ایی بازی می‌کنند. همچنین این مدل مبتنی بر رهیافتی کثرت گرا است و مسائل را در شبکه‌ای از عوامل مختلف توضیح می‌دهد. کنش گران در شبکه‌ای با سایر کنش گران مانند عاملان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و تکنیکی در تعامل هستند... بنابراین میتوان این گونه تحلیل کرد که رویکرد مشاوره حرفه ایی به عنوان یک مسئله به صورت شبکه‌ای با عاملان زیادی اعم از انسانی و غیرانسانی در تعامل هست. این نگاه شبکه‌ای به رویکرد مشاوره حرفه ایی تا حدود زیادی پیچیدگی و مبهم بودن آن را نشان می‌دهد و این هشدار را می‌دهد که فهم عمیق از رویکرد مشاوره حرفه ایی نیازمند یک واکاوی همه جانبه و با در نظر گرفتن تمام عوامل مؤثر در آن اتفاق می‌افتد.

بحث و نتیجه‌گیری

طراحی مدل پارادایم مشاوره حرفه‌ای یکی از اصلی‌ترین هدف این پژوهش بوده است. در فرایند ارائه مدل یافته‌ها این مسئله را به خوبی نشان دادند که هنوز زیرساخت‌ها و بسترهای مناسب برای خلق مشاوره حرفه‌ای ایجاد نشده است. اما اگر این مسائل را در چشم‌انداز متفاوتی نظیر فرایش^۱ جهان دانشگاه نگاه کرد میتوان فرایش را در این زیست جهان دید که هرچند به طور واضح قابل دیدن نیست اما حیات دارد و در جریان است و با خود کنش‌ها و واکنش‌های به همراه دارد. اگر فرایش جهان دانشگاه را بپذیریم موانع شناسایی شده را نه به عنوان یک نقطه کور بلکه به عنوان یک حلقه در زنجیره حیات دانشگاه می‌پذیریم که برای زایش نیازمند این ویرانگی هستیم. بنابراین لازم است که این مرحله از فرایش را شناسایی، پذیرش و هدایت کرد تا بتوان فرایش دانشگاه را در مسیر درست قرارداد. بنابراین شناسایی مؤلفه‌های مؤثر در طراحی مدل مشاوره حرفه‌ای در دانشگاه گامی در مسیر فرایش دانشگاه برای رسیدن به دانشگاهی پاسخگو با رویکرد مشاوره حرفه‌ای است.

در مدل مطلوب برای رسیدن به رویکرد مشاوره حرفه‌ای مقولاتی همانند شرایط زمینه‌ای که شامل زیست بوم اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی است میتوانند بر روی این رویکرد تأثیر بگذارند. شرایط زمینه‌ای همانند چتری بر روی رویکرد مشاوره حرفه‌ای در دانشگاه سایه می‌اندازد و دانشگاه نمی‌تواند خارج از اتمسفر این چتر به بقای خود ادامه دهد. بنابراین در خصوص مسائل زمینه‌ای نظیر اقتصاد ایران می‌بایست به سوی اقتصاد دانش‌بنیان پیش برود. در این فضای اقتصادی است که خصوصی سازی معنی پیدا می‌کند و منابع مالی متنوع مهم تلقی می‌شوند و دانشگاه‌ها برای دستیابی به منابع مالی متعدد به مشاوره حرفه‌ای روی می‌آورند. بریجز و همکاران (۲۰۱۳) بیان می‌کنند که موفقیت اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته مستقیماً به تولید، توزیع، تبدیل و استفاده از دانش وابسته است که مشاوره حرفه‌ای نقش مهمی در تبدیل دانش می‌تواند ایفا کند. همچنین تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که برای رسیدن به رویکرد مشاوره حرفه‌ای بایستی جامعه یادگیرنده به وجود بیاید و در این جامعه به اجتماعات محلی توجه شود و آنان را در فرایند تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داد که این مسئله با خود حس مسئولیت اجتماعی را به همراه می‌آورد. علاوه بر این دو عامل حکمرانی خوب نیز به عنوان مؤلفه‌ای زمینه‌ای برای الگوی

1. فرایش به معنی روند رو به فرای یا همان کمال است که با خود زایش و ویرانگی را به همراه دارد یعنی با این دو فرایش اتفاق می‌افتد. دلیل استفاده از این واژه در کنار دانشگاه به این دلیل بوده است که دانشگاه همانند یک جهان زنده که سرشار از زندگی است در نظر گرفته شده است و فرایش در جهان‌های زنده اتفاق می‌افتد.

مشاوره حرفه ای ضروری دانسته شده است. اداره جوامع در سطوح ملی و منطقه ای با مسائلی روبه رو شده است که یکی از آن ها ناکارآمدی حکمرانی و اداره متمرکز است.

بعد از شرایط زمینه ای عوامل علی وارد مدل می شوند در این مدل زیست بوم دانشگاه به عنوان یکی از شرایط علی می تواند بر روی رویکرد مشاوره حرفه ای مؤثر باشد. ماهیت و کارکرد مناسب زیست بوم دانشگاه اکوسیستمی را به وجود می آورد که در آن می توان رویکرد مشاوره حرفه ای را خلق کرد در این خصوص دانشگاه بایستی در رسالت های خود تغییر و تحول ایجاد نماید تا بتواند به سمت دانشگاهی اجتماعی و پاسخگو پیش برود. در خصوص رسالتها و کارکردهای دانشگاه نکته مهم این است که ابتدا باید دانشگاه ها از بی هویتی و گمگشتگی رسالتها رهایی یابند و با یک هویت و ماهیت سالم به تعریف رسالت واقعی خود بپردازند رسالت دانشگاه می بایست به صورت شفاف، مشخص و دارای یک هویت مستقل به دور از عصیت باشد. زیرا که بی هویتی با خود نوعی فلج ساختاری و روانی برای دانشگاه به همراه دارد که این مسئله دانشگاه را در وضعیت ابهام قرار می دهد که با هر جریانی هرچند موقتی و سطحی مسیر واقعی خود را تغییر می دهد و در ضمن این ابهام در رسالتها نیز برنامه ریزی ها و سیاستها و موارد اجرایی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد.

در ادامه حکمرانی دانشگاه نیز به عنوان یکی دیگر از شرایط علی میتواند بر روی رویکرد مشاوره حرفه ای تأثیر بگذارد. این مؤلفه می تواند نقطه عطفی برای ایجاد و رشد رویکرد مشاوره حرفه ای در دانشگاه باشد. حکمرانی دانشگاه مقوله ای بسیار پیچیده است و اکثر دانشگاه ها متناسب با ساختار حکمرانی کشور ها مدل های از حکمرانی دارند. به عنوان مثال ساختار حکمرانی دانشگاهی در اروپا از هیات امناء یک سطحی و دو سطحی در بسیاری از کشور ها و کمیسیون های تخصصی در آموزش عالی هلند، تشکیل شده است. همچنین در استرالیا حکمرانی دانشگاه از یک نظام یکپارچه اطلاعاتی آموزش عالی شکل گرفته است و علاوه بر اینا در ایالات متحده امریکا تنوع بسیار زیادی از مدل های مختلف حکمرانی دانشگاه وجود دارد (سنچز^۱، ۲۰۱۳). این مطالب خود گویای پیچیدگی در خصوص حکمرانی دانشگاهی است که باعث می شود یک مدل که مورد پذیرش همگان باشد را نتوان پیدا کرد. درست است که این پیچیدگی فهم شفاف موضوع را سخت می کند اما این فرصت را به دانشگاه ها میدهد که بتوانند مناسب با شرایط زمینه ای خود حکمرانی دانشگاهی منحصر به خود را پیدا نمایند. مسئولیت اجتماعی دانشگاه نیز به عنوان یکی از عامل علی مهم شناخته شد... با در نظر گرفتن این مسأله که دانشگاه مانند ستونی در اجتماع می باشد. دانشگاه بیشتر و بیش تر در حال تبدیل شدن به شرکت کنندگان مهمی در ایجاد توسعه اجتماعی پایدار است.

اتزکویتز^۱ (۲۰۱۶) معتقد هست که دانشگاه‌ها باید مسئولیت علمی خودشان را بر پایه های مفاهیم اخلاقی پایه گذاری کند که در رفع نیازهای جامعه‌ای که در آن هستند مطابقت داشته باشند. گومز و همکاران^۲ (۲۰۱۴) اشاره می‌کنند که دانشگاه‌ها می‌توانند انتخاب کنند که آیا می‌خواهند دنبال کننده باشند یا از فرصت استفاده کنند و به رهبرانی به وسیله پذیرش مفهوم مسئولیت اجتماعی در عملکردشان تبدیل شوند. دانشگاه‌های که نیازی نمی‌بینند در مسئولیت اجتماعی سرمایه‌گذاری انجام دهند بیشتر در دانشگاه‌های نا کارآمد، بخش بخش، دارای هماهنگی های ضعیف و ارتباط ناقص دیده می‌شود. دانشگاه‌ها باید بخشی جدایی ناپذیر از جامعه باشند و با توجه به زمینه عمل کنند و زمان بیشتری را برای مشکلات پیچیده اختصاص دهند و به صورت مداوم به دنبال راه حل های بهتر باشند. دانشگاه‌ها باید نیازها و خواسته های جامعه را به حساب بیاورند.

در ادامه شرایط مداخله‌گر همانند بسترهای قانونی، آئین‌نامه ارتقاء اساتید و تعدد در مراجع تصمیم‌گیری و سیاسی بر روی دانشگاه با رویکرد مشاوره حرفه ای اثر می‌گذارند. مقوله شرایط مداخله‌گر همانند بستری عمل می‌کنند که می‌توانند باعث تخفیف یا تشدید پدیده بشود. در اینجا آئین‌نامه ارتقا اساتید در حال حاضر به دلیل ضعف هایی که دارد می‌تواند باعث تضعیف رویکرد مشاوره حرفه ایی بشود ولی اگر آئین‌نامه مورد اصلاحات اساسی قرار گیرد و بسترهای قانونی مناسبی فراهم شود می‌تواند باعث ایجاد و رشد رویکرد مشاوره حرفه ای بشود. بنابراین آئین‌نامه ارتقا اساتید نیازمند بازنگری های همسو با رسالت های جدید دانشگاه ها باشد در دانشگاه پاسخگو اعضا هیئت علمی نقشی کاملاً متفاوت بر عهده دارند. در چنین دانشگاهی اساتید با استفاده از تیم های حرفه ایی در توسعه دانشگاه ایفای نقش میکنند و بهسازی اساتید در بهبود شایستگی ها و توسعه حرفه ایی آنان صورت می‌گیرد. در دانشگاه ممفیس^۳ (۲۰۰۳) کارکرد های توسعه اعضا هیئت علمی در دانشگاه ها در اثر بخشی مأموریت های دانشگاه مانند ارائه خدمات تعریف شده است. همچنین تعدد مراجع تصمیم‌گیری نیز می‌تواند به عنوان یک مقوله تضعیف کننده به کار رود و در تصمیم گیر های صحیح و مناسب اثر بگذارد بنابراین لازم است که مراجع تصمیم‌گیری و سیاستی مشخص و بازنگری اساسی شوند. بر اساس مدل طراحی شده مقوله شبکه سازی و کنش های ارتباطی به عنوان راهبرد یعنی فرایند ها و تعاملات معرفی شده اند. بر اساس مدل به وجود آمده، مقولات شرایطی اعم از زمینه‌ای، علی و مداخله‌گر در نتیجه کنش و واکنش متقابل باهمدیگر سبب به وجود آمدن مقوله فرایند و تعاملات برای پاسخگویی به پدیده و رسیدن به پیامد میگردد. این مقوله با شبکه سازی های درونی و با ایجاد ساختار ها و فرایند ها در درون دانشگاه و ایجاد شبکه های خارجی با ارتباطات بیرون از ساختار دانشگاه اشاره دارد. شبکه سازی

1.Oskowitz

2.Gomez et al

3.University of memphis

و کنش های ارتباطی در این مدل نقش راهبردی را بازی می کند که میتواند با تغییرات در زیست بوم دانشگاه و حکمرانی دانشگاه و عوامل زمینه ای بستری مناسب برای آفرینش رویکرد مشاوره حرفه ای در دانشگاه ایجاد نماید. اهمیت شبکه سازی و کنش های ارتباطی به عنوان یک راهبرد به این دلیل حائز اهمیت است که فراهم کردن تمامی شرایط بدون ایجاد شبکه سازی های درونی و کنش های ارتباطی تلاشها برای رسیدن به رویکرد مشاوره حرفه ای را بیهوده می کند. آخرین حلقه در این مدل مقوله دانشگاه پاسخگو و فناوری های نرم هستند. این مقوله به عنوان پیامد به نتایجی اشاره دارد که در راستای خلق رویکرد مشاوره حرفه ای در دانشگاه ایجاد می شود. به طور حتم استفاده از رویکرد مشاوره حرفه ای در دانشگاه می تواند در رسیدن به یک دانشگاه پاسخگو که توانایی حل مسائل و چالش های مردم جامعه را دارد کمک شایانی نماید. همچنین دانشگاه پاسخگو در خلق فناوری های نرم نقش بسزایی در دانشگاه با رویکرد مشاوره حرفه ای دارد. درباره فناوری نرم می توان گفت: باید یک سیستم دانش عملی از ابزار ها، رویه ها و قوانین برای حل مسئله باشد. به منظور تأمین خدمات برای تغییرات اجتماعی و توسعه اقتصادی، باید معطوف به عمل باشد. حوزه کنش فناوری نرم فرایندهای روانشناختی و نظام های فعالیت اجتماعی است. بنابراین میتوان گفت که عوامل روانشناختی، اجتماعی و فرهنگی مختلف از جمله شاخص های متمایز کننده ی فناوری نرم به شمار می روند. این نوع فناوری با ارزش ها و هنجار ها در ارتباط است. به طور خلاصه فناوری نرم؛ فناوری فکری، خلق و نوآوری است که بر اندیشه، ایدئولوژی، احساسات، ارزش ها، جهان بینی ها، رفتار های فردی و سازمانی و جامعه انسانی متمرکز است (زوئینگ^۱، ۲۰۱۱).

محدودیت های پژوهش

محدودیت های موجود در این پژوهش به دلیل ماهیت کیفی بودنش و استفاده از روش کیفی گراند تئوری با مفهوم محدودیت در پژوهش های کمی متفاوت باشد. به عنوان مثال در پژوهش های کیفی پژوهشگر دغدغه تعمیم داده ها را ندارد بنابراین ممکن است که این مسئله به عنوان یک محدودیت دیده نشود. اما از آنجایی که ذکر محدودیت ها در پژوهش در شناسایی موانع بر سر راه پژوهش کمک می کند بنابراین محدودیت های این پژوهش به صورت خاص ذکر می گردد. در این پژوهش چون نمونه گیری به صورت هدفمند بود ممکن است افراد آگاهی در این زمینه وجود داشته باشد که مورد شناسایی قرار نگرفته اند در صورتی که می توانستند بر پژوهش حاضر اثر گذار باشند.

پیشنهادهای کاربردی

- شاید در این خصوص ارجح ترین پیشنهاد این باشد که ابتدا بسترهای اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی مورد نیاز برای خلق و رشد مشاوره حرفه ایی در دانشگاه های ایران فراهم شود.
- مفهوم سازی مشاوره حرفه ایی و ترویج آن در گستره آموزش عالی ایران
- برانگیختن افزایش هم کنشی دانشگاه با دیگر نهادها برای سوق دادن به ضرورت استفاده از تیم های مشاوره حرفه ایی برای حل مسائل خود
- برانگیختن و تشویق صنایع و شرکت ها برای استفاده از رویکرد مشاوره حرفه ایی

پیشنهادهای پژوهشی

- انجام پژوهشی در راستای تبار شناسی رویکرد مشاوره حرفه ایی در دانشگاه های ایران
- طراحی ساختار سازمانی مناسب جهت استفاده از رویکرد مشاوره حرفه ایی در دانشگاه ها
- انجام پژوهشی در راستای اعتبار یابی مدل های پیشنهادی در پژوهش حاضر

منابع

- استراوس، انسلم و کرین، جولیت (۱۹۹۰)، ترجمه ابراهیم افشار (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید نظریه زمینه ای. نشر نی. چاپ دوم. تهران.
- پایا، علی (۱۳۸۵). دانشگاه، تفکر علمی، نوآوری و حیطه عمومی. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی. تهران

- Armbrüster, T. (201۶). The economics and sociology of management consulting. Cambridge University Press.
- Bridges, D., Juceviciene, P., Jucevicius, R., McLaughlin, T. H., & Stankeviciute, J. (Eds.). (20۱۳). Higher education and national development: Universities and societies in transition. Routledge.
- Crow, M. M. (2015). Building an entrepreneurial university. In the future of the Research University. Meeting: the global challenges of the 21 century, Kauffman Foundation, 11-30
- Dan, M. C. (2014). The third mission of Universities in the Development Strategy of Vienna City. Informatica Economica, 16(4), 49.

- Duke, C. (2012). *Managing the learning university*. Buckingham: Open University Press.
- Engwall, L., & Kipping, M. (2013). Management consulting: dynamics, debates, and directions. *International Journal of Strategic Communication*, 7(2), 84-98.
- Etzkowitz, H. (2016). The entrepreneurial university: vision and metrics. *Industry and Higher Education*, 30(2), 83-97.
- Franka, A. I (2016). Multiversity of the twenty-first century—examining opportunities for integrating community engagement in planning curricula. *Planning Practice & Research*, 31(5), 513-532.
- Johnson, B., & Christensen, L. (2014). *Educational research: Quantitative, qualitative, and mixed approaches*. Sage. Fifth Edition.
- Gómez, L., Morales, B., & Vadi, J. (2014). University social responsibility: A social transformation of learning, teaching, research and innovation. In *Proceedings 9 h Quest Conference for Global Competitiveness* (pp. 13-14)
- Greenwood, R., Fairclough, S., Morris, T., & Boussebaa, M. (2014). The transnational professional service firm: the rise of the multiplex PSF.
- Kipping, M., & Kirkpatrick, I. (2015). Alternative pathways of change in professional services firms: The case of management consulting. *Journal of Management Studies*, 50(5), 777-807.
- Kitagawa, F. (2011). Industrial doctorates-employer engagement in research and skills formation. *Centre for Learning and Life Chances in Knowledge Economies and Societies*.
- Mugabi, H. (2014). Institutionalisation of the 'third mission' of the university: The case of Makerere University.
- Parkes, S., Young, J. B., Cleaver, E., & Archibald, K. (2016). Academic and professional services in partnership literature review and overview of results.
- Peric, J. (2015). Development of universities' social responsibility through academic service learning programs. *Economy of eastern Croatia yesterday, today, tomorrow*, 1, 365-375.
- Sánchez, M. (2013). University Missions: Compatible and Complementary? Theory and Empirical Analysis Through Indicators. In *European Conference on Intellectual Capital* (p. 564). Academic Conferences International Limited.
- Scott, P. (2010). A tale of three revolutions? Science, society and the university. *Higher education re-formed*.
- Sharif, A. M. (2012). Professional services organizations and the role of consulting in the new economy. *Information Systems Management*, 19(2), 19-30.
- Stryker, S. C. (2011). *Principles and practices of professional consulting*. Government Institutes.

- Trencher, G., Yarime, M., McCormick, K. B., Doll, C. N., & Kraines, S. B. (2014). Beyond the third mission: Exploring the emerging university function of co-creation for sustainability. *Science and Public Policy*, 41(2), 151-179.
- Vallaes, F. (2016). University social responsibility: a mature and responsible definition. *Higher Education in the World*, 5, 88-96.
- Zhouying, J. (2011). *Global technological change: From hard technology to soft technology*. Intellect Books